

رسول پویان

بحر خون

گر آشنا وسیلهٔ خصم زیون شود
سرتاسر وطن به خدا غرق خون شود
گرسده ها به جنگ و برادرکشی گذشت
باید ز سینه عقدهٔ خونین برون شود
باگرگ دنبه خوردن و با میش نوحه گر
این طرح ورشکسته زبنیان نگون شود
ظلم عرب، و حلم عجم را مبر ز یاد
صد بار تجربه!! غم دورِ قرون شود؟
همسایه تا به آتش و خون میکشد وطن
باید که طرح و چارهٔ نو آزمون شود
ورزش در تمدن ما چون عبادت است
لیکن به پکتیکا روان بحر خون شود
طالب که قتل عام کند و آتش افکند
باید که منفجر ز بیخ و درون شود
ارگون و پکتیکا، شمال و جنوب و غرب
خالی زگرگ و قاتل و دیو حرون شود
غمداستان قتل و خشونت به صد زبان
عبرت فسانه بی ز فریب و فسون شود
خوش آندمی که جای نهیب سیاه جنگ
میهن پر از ترانهٔ عشق و جنون شود

2014/11/24